

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و پر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

دوم فیروزی ۲۰۱۶

"صد غزل سیدای کروخی هروی"

۵۲

منظومه پنجاه و یکم

گلشن وجود

فارغ نشسته ایم همه، در کنار عمر
از بس که بی ثبات بود هیچ کس نچید
بشگفت از نسیم عدم گلشن وجود
چشمی به هم زدیم و گذشتیم ازین جهان
پوشیده چشم مرحمت از شاه تا گدا
زینهار!!! دل میند بر اسباب این جهان
خوش گلشنی ست بهر تماشا، ولی چه سود
دهقان کائنات تو گوئی، که از ازل
آنها، که رفته اند به سرمنزل عدم
هر لحظه ای که بی غم دلدار بگذرد
چون تندباد می گذرد نوبهار عمر
برگ گلی به کام دل از شاخسار عمر
نشگفته ماند غنچه، به آن لاله زار عمر
چون برق یافتیم قرار و مدار عمر
اینست در خصوص همه اعتبار عمر
قطع علایق تو کند، ذوالفقار عمر
کس نیست مستقیم*، به دارالقرار عمر
تخم وفا نکاشته در کشتزار عمر
چشم همه سفید شد از انتظار عمر
آن لحظه را حساب مکن در شمار عمر

این دار، پایدارِ بقا نیست «سیدا»
فانی ست این دو جرعه می خوشگوار عمر

* _ "مستقیم":
کلمه عربی "مستقیم"، اسم فاعل است از مصدر "استقامت" (باب "استفعال") و به
معنای "پایدار" و "بااستقامت".
شاعر این کلمه را در معنای اصلی آن به کار برده است، نه در معنایی که ما امروز
ازین کلمه میگیریم!!!